

توافقی زندانها

« ۲ »

د - ۲۸۱۰ نفر مجرم ارتکاب جرائم حقوقی (با توجه بقانونی که در سال ۱۸۶۹ راجع به بیکاران از مجلس گذشته است) بزندان رفته‌اند این قانون مقرر میدارد که قاضی بخش چنانچه تشخیص دهد مدیون توانائی پرداخت دین خود را داشته و کوتاهی کرده است ضمن حکمی که راجع پرداخت بدهی صادر میکند برای مدت ۶ هفته نیز امر بتوقیف او میدهد. هر چند که قانون در این مورد بین مدیونی که قادر پرداخت بدهی خود بوده و مدیونی که توانائی پرداخت دین خود را نداشته ظاهراً فرق گذاشته است ولی در عمل دلائلی که برای اثبات توانائی بدهکاران اقامه میشود بقدری وسیع و غیر قابل اطمینان است که بیشتر آنها نه بخاطر سوء نیتی که در عدم پرداخت دین خود داشته‌اند بلکه حقیقتاً بخاطر عدم استطاعت خود زندانی میشوند.

اعزام بدهکاران بزندانهای عمومی همیشه از طرف تجار از دادگاهها تقاضا نمیشود بلکه این ماده حریه ایست که ربح خواران بدون وثیقه کافی فقط یا اعتماد اینکه چنانچه مدیون از پرداخت بدهی خود استتکاف کرده میتواند او را بزندان انداخت پول خود را با ربح سرسام آوری قرض میدهند. مجازات زندان در این موارد و همچنین برای مرتکبین جرم حقوقی که مدیون قلمداد گشته‌اند بایستی بکلی نقض شود. در اسکا تلند بیش از نیم قرن است که این مجازات منسوخ شده و الغاء آن صرفاً برای جلوگیری از فروش اعتبار های بی مورد بوده که چیزی نمائند بود مسیر اعتبار مشروع تجارتي را نیز عوض کند. یابن معنا که بجای اینکه اعتبار دهنده بوضعیت مالی اعتبار گیرنده توجه داشته باشد تنها با تکلف اینکه اگر مدیون از پرداخت بدهی خود استتکاف ورزیده توقف او وثیقه‌ای برای پرداخت دین او میباشد از واگذاری اعتبار حتی بتاجر متوقف هم ابائی نداشت. در جائیکه واگذاری اعتبار بدون داشتن وثیقه مکفی در واقع قمار است که با اصول تجارتي هیچگونه موافقتی نداد.

۵ - ۱۲۴۷۹ نفر مجرم عدم توانائی پرداخت جزای نقدی بزندان افتاده‌اند

- ۱ - بماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی و آئین نامه خلافی مراجعه شود.
- ۲ - خوشبختانه در قانون ایران فقط در مورد خلاف بمحکمه اختیار داده شده است. چنانچه از کیفیات واضح شد که متمهد استطاعت تأدیه جزای نقدی شدیدا ندارد «محکمه صلح مجازات او را موافق قانون تبدیل بجزای دیگری که مطابقت داشته باشد» میکنند. ولی متأسفانه ماده ۶ قانون اصلاح بعضی از مواد آئین دادرسی کیفری اجازه میدهد که تا پنجسال محکومی را بواسطه عدم پرداخت غرامت بدولت و یا خسارت بلعی خصوصی به نسبت روزی ۵۰ ریال بازداشت کرد.

نوائص زندانها

این قبیل محکومیت‌های کوتاه هرگز دارای اثر علاج‌پذیری نیست و بهمین مناسبت دائماً با مخالفت عده زیادی از دانشمندان مواجه شده است. مطالب زیر که از گزارش یکی از رؤسای قدیم زندان نقل میشود یکی از صدها اعتراضی است که نسبت به صدور این قبیل حکم‌ها شده است.

«... چه چیز باندازه هزینه‌های سنگینی که صرف نگاهداری مقصرینی که مثلاً بجرم تظاهر به میخوارگی بسه یا چهار شلینگ محکوم شده و در نتیجه عدم استطاعت پرداخت جریمه نقدی بزدان می‌افتند بی‌فایده نیست. این مجرمین فرضاً اگر نتوانسته‌اند چند شلینگ را بعنوان جریمه نقدی که بتقصیر ارتكابی آنها تعلق میگیرد بپردازند فوراً بایستی بکارگاههای عمومی رهسپار و از تفاوت مزد آنها و میزان دریافتشان جریمه مذکور مستهلک شود. سال پیش متجاوز از ۸۶۶ نفر بهمین عنوان یا بعنوانی شبیه باین بزدان افتاده‌اند. جمع مبلغی که این عده قادر بپرداخت جرائم خود نشده‌اند ۵۰۰ پوند و هزینه‌ای که برای نگاهداری آنها در زندان بمصرف رسیده است بیش از ده برابر آنست.

بکرات اتفاق افتاده که یکنفر برای تقصیر کوچکی که سه یا چهار شلینگ جریمه دارد و مرتکب قادر بپرداخت جریمه قانونی آن نمیشد برای مدت یک هفته محبوس شده و پس از ده روز تقصیر دیگری شبیه باولی از او سرزده و مجدداً برای یک هفته دیگر بزدان افتاده است. و تصور بفرمائید جمع هزینه‌های توقیف مجرم، محاکمه او، ابلاغ حکم و انتقال او بزدان برای مدت یک هفته چقدر بیهوده بنظر میرسد؟ و علاج امر بنظر من تنها هدایت مرتکبین خلاف و اعزام آنها بمؤسسات حرفه‌ایست که قبلاً ذکر آن رفته است و زندان با سیستم تصحیح شده آن نیز بایستی فقط برای مجرمینی تخصیص داده شود که مدت محکومیت آنها نسبتاً طولانی است...»

با توجه بمندرجات فوق بایستی توجه داشت که جرائم نقدی حتماً تعدیل شده و ضمناً لازم است تعیین مبلغ آن با توجه بموقعیت و ظرفیت مادی مجرم در نظر گرفته شود. در سال گذشته دادگاههای سیار شهرداری دختری را که در ساعات غیر مجاز گوجه فرنگی می‌فروخته به ۲۲ سنت جریمه نقدی محکوم کردند و دختر بواسطه عدم استطاعت پرداخت جریمه برای مدت ۱۱ روز زندانی شد. پسر بچه‌ای بجرم دوچرخه سواری دریاده رو ۱۲ سنت جریمه شد و چون قادر نبود که جریمه را تقدماً بپردازد، بزدان رفت. قابل انکار نیست که هر دو این حالات اثر عمیقی در فکر مقصرین باقی میگذارد، ولی هر سال متأسفانه این قبیل احکام آن اندازه زیاد است که قابل احصاء نمیشد.

اگر مثلاً جرائم نقدی به نیم شلینگ و یا یک شلینگ تقلیل داده میشد - که تازه برای از خلفها هم ارفاقی بعمل نیامده و کاملاً متناسب بنظر میرسد - مردمی که قادر نبودند جرائم خود را بپردازند چند صد بر ابر شده و بهمین نسبت از زندانیانی که بجرم عدم پرداخت جریمه نقدی بزدان میروند کم میشد. در خاتمه چنانچه مقصری قادر بپرداخت جریمه نقدی نیست. چه عیبی دارد که حکم تعلیق مجازات در مورد او صادر شود؟ این امر نیز شایسته است که مورد توجه آقایان قضات واقع شود.

لواص و زندانها

و - ۷۵۰۴ نفر قبل از اینکه حکمی درباره آنها صادر شود بعنوان توقیف احتیاطی در انتظار روز استنطاق و یا محاکمه بزندان افتادند که پس از خاتمه استنطاق از جرم متسببه برائت حاصل کردند و یا اینکه در دادگاه بعلتی بحبس کمتر از مدتی که در توقیف احتیاطی بوده‌اند محکوم شدند :

البته تعداد کمی از این دسته همچنانکه ما هم دیده‌ایم متهم بارتکاب جرمهای مهمی هستند که بازپرس از نظر اهمیت موضوع و یا بیم تباتی و شاید هم با احتمال فرار متهم قرار توقیف احتیاطی آنها را صادر کرده است ولی تعداد قابل ملاحظه‌ای هم با اینکه اتهامشان آن اندازه اهمیت نداشته است چون ضامن و کفیل معتبری را نمی‌شناسند و قادر بمعرفی نیستند مجبورند تا نوبت محاکمه‌شان دوزندان بسر برند^۱.

کسانی را که بازپرس با تحقیق کامل بمجرمیت آنها شک کرد بایستی در توقیف احتیاطی بمانند ولی بقیه را باید سعی کرد که تحت نظر قرار داده و با گرفتن تعهد اینکه از حوزه قضائی که جرم اتهامی در آن واقع شده است خارج نگردند، آزادشان گذاشت. آقایان قضات بایستی حتی المقدور از صدور قرارهای وجه الضمان که اعداد سرسام آوری را ذکر میکند خودداری کنند نه اینکه اداره پلیس نیز بنوبه خود نسبت بتوقیف افراد رأساً اقدام کرده و یادست بصدور قرارهای سنگین التزام و وجه الضمان بپزند. ز - ۱۹۲۳ نفر بجرم مستی بزندان افتاده‌اند و قانون اجازه نداده است که دادگاه بتواند مدت محکومیت آنها را بجریمه نقد تبدیل کند.

موقع آن رسیده است که بپرسم آیا زندان برای مقصری که مقررات رانندگی را نادیده گرفته و مثلاً پس از نوشیدن الکل پشت فرمان اتومبیل نشسته است در هر شرائطی که باشد مفید است یا نه؟ زندان باتمام مخارج گزافی که برای اداره آن میشود در اصلاح این قبیل مجرمین یک محیط کاملاً بلا اثری است. زندان «Holloway» همه ساله پراست از زنان دائم الخمر که برای طی شدن مدت کوتاه محکومیت خود روز شماری میکنند بجای اینکه دادگاهها تحت تأثیر ماده ۶۱ و ۶۲ قانون ۱۷۹۸ راجع به منع مسکرات و مجازات دائم الخمرها قرار بگیرند، این قبیل مقصرین را بایستی تحت مداوای کامل طبی قرار داد. صرف نظر از علاج قطعی بالا معتقدیم که پرداخت جرائم متناسب با وضعیت مقصر، تعلیق مجازات او و توقیف او در کلانتری برای یک شب برای تنبیه او مکفی بنظر میرسد. بهرحال زندانها را بایستی از مجازات این قبیل مقصرین معاف کرد

۱ - بموجب ماده ۱۳۶ قانون اصول محاکمات جزائی « متهمی که در مورد او کفیل یا وثیقه داده میشود تا اجرای مفاد قرار در توقیف .. » خواهد ماند .

۲ - در قانون ایران تجاهر بعی خوارگی جنجه و تظاهر بمستی خلاف محسوب است و بالتلفات بماده ۵ قانون اصلاح بعضی از مواد آئین دادرسی کیفری مصوب ششم مرداد ۱۳۲۸ که حبس کمتر از دو ماه را قابل ابتیاع میدانند این تقیصه در قانون ایران تا حدودی تعدیل شده است ولی بهرحال این انتقاد که مرتکبین این قبیل جرائم مورد مداوا واقع نمیشوند بقانون ایران نیز وارد است .

لواحق زندانها

زیرا آنها برای انجام مقصود های بزرگتری بوجود آمده اند و این امور کاملاً خارج از وظیفه آنها است.

ح - ۱۶۷۵ نفر بجرم تکدی و ۲۸۰ نظر بجرم اینکه شب را در خیابانها خوابیده اند بزندانها افتاده اند. در مورد اینگونه جرائم که حتماً از سرگردانی و فقر سرچشمه میگیرد بایستی در این باره پس از استنطاق کامل یا از مؤسسات خیریه کمک گرفت و یا اینکه متخلفین بمراکز کار راهنمایی شوند و البته استفاده از انجمنهای خیریه و مجالسی که برای دستگیری فقرا تشکیل میشود بیشتر بایستی مورد استفاده اشخاص مسن واقع گردد و بعکس مراکز کار حتماً برای استفاده افراد جوان در نظر گرفته شود. اصولاً از پیشنهاد تشکیل مؤسساتی که بفقر کمک بکند تنفر دارم ولی در حال حاضر طریقه عملی دیگری بنظر نمی رسد. اشخاصیکه منزل و مأوایی ندارند و مرتکب خلافی میشوند پس از آنکه بمراکز کار اعزام شدند، بایستی دقت شود که در همان مؤسسات خوابگاهی برای آنها تهیه شود. حداکثر کوشش و فعالیت لازمست تا برای مقصرین جوان شغلی متناسب باموقعیت بدنی آنها تهیه گردد تا از سرگردانی نجات پیدا کنند، و حتی هیچ اشکالی ندارد که آنها را به کارخانه های شهرهای دیگر نیز منتقل کنند.

ط - ۹۸۸ نفر بجرم عدم پرداخت نفقه کسانی که تحت تکفل دارند بزندان افتاده اند مسلم است در این قبیل مواقع که شخصی از وظیفه اخلاقی و اجتماعی خود سرباز میزند زندان نمیتواند جنبه اصلاحی برای او داشته باشد، خصوصاً که باز هم اشخاصیکه تحت تکفل هستند چیزی نصیبشان نمیشود. بهترین داروی مؤثر برای این قبیل مجرمین اعزام آنها بمراکز کار و در درجه دوم چنانچه متخلف حقوقی از مراکزی دریافت میدارد دادگاه پس از انتزاع مخارج ضروری شخص او نسبت به بقیه آن حکم بضبط بدهد و آنرا در اختیار خویشان او بگذارد.

ی . ۴۲۷ نفر بجرم نمایش مناظر ناشایست بزندان افتاده اند. چنین تقصیراتی از هر نوع که باشد معمولاً از Patologic سرچشمه میگیرد. چاره این قبیل مجرمین زندان نبوده بلکه بایستی تحت درمان جنسی یک کلینیک طبی قرار بگیرند و برای بعضی از مجرمین که این قبیل عادات زشت در آنها ملکه شده است اقامت اجباری در شهرهای دیگر بشرط اینکه در عین حال تحت نظر شدید باشند در محیط هائی که جنبه زندان داشته باشند بسر برند مفید بنظر می رسد.

ک . ۶۰۸۴ نفر بین یک هفته تا یکماه بزندان افتاده اند که جرم ارتكابی آنها تحت هیچیک از عناوین فوق در نیاید.

برای جلوگیری از صدور حکم های محکومیت بحبس های کوتاه لازم نیست دستان بندان حبس های طویل العده شد بلکه بایستی این قبیل مجازاتها را حتی المقدور حکم بتعلیق داد و یا لا اقل بجرائم نقدی متناسبی تبدیل کرد. احتمال قوی می رود که چنانچه روش های مذکور در فوق جایگزین متد فعلی زندانها بشود اکثریت قابل ملاحظه ای از مجرمین فوق الذکر بزندان نمیروند و آنتهایی هم که مستحق زندان باشند بجای آنکه وقتشان

نواقص زندانها

بیطالت بگذرد یکدوره از مؤسسات تربیتی را می بینند اجرای متد جدید اقتصادی وضع قوانین مدنی را دارد که طرز اداره زندانها را مشروحاً بیان کند. اگر نسبت بمداوای مجرمین بطریقی که در صفحات قبل ذکر شده است عمل شده بود ارقام زیر از دفتر سال گذشته زندان «Wood» حنف میشد.

مجرمین اعمال جنسی ۱۲۹۳ نفر

مرتکبین جرائم حقوقی ۴۳۹۸۳ نفر

کسانیکه قادر پرداخت جرائم بزه ارتکابی نبودند ۱۲۴۹۷ نفر

کسانیکه توقیف احتیاطی شدند ۷۵۰۴ نفر

متظاهرين بمستی و میخوارگی ۱۹۲۴ نفر

متکدیان و متخلفینی که رعایت مقررات شهر را ننموده اند ۲۱۰۳ نفر

کسانیکه بجرم عدم پرداخت نفقه بزندان رفته اند ۹۸۸ نفر

فروشدگان تصاویر منافی عفت عمومی و غیره ۴۳۷ نفر

مرتکبین جرائم مختلف که تحت جدول بالا در نمیآیند ۶۰۸۴ نفر

جمع ۷۶۸۱۳ نفر

خوب، اکنون موقع آنست که پرسیده شود تکلیف کسانیکه بی در پی مرتکب

تکرار جرم شده و اکنون در زندانها بسر میبرند چیست؟

تا وقتی که زندانها با متد قدیم اداره میشود معالجه این قبیل مجرمین بالغاده

تقریباً بیهوده و غیر ممکن بنظر میرسد اینها بایستی از زندانها رانده شده و در محل جداگانه

که برای آنها ساخته میشود و قاعدتاً بایستی در نقاط بد آب و هوا باشد نگاهداری شوند

شاید برای ایندسته نیز امکان معالجه متصور باشد ولی مسلماً طریقی که در اداره زندانها

پیشنهاد شده هرگز نمیتواند برای مجرمین بالغاده مورد استفاده واقع شود. زندان برای

مقصود مفیدتری ساخته شده است که بایستی فعالیت اجتماعی خود را مانند یک مؤسسه

تربیتی و فرهنگی بنحو احسن انجام دهد.

زندانهای آینده

کسانیکه بزندان افتاده و متد زندان قادر باصلاح قوای فکری آنها نبوده است

باندازه ای فراوانند که توده مردم را عقیده بر آنست که « زندان قادر باصلاح هیچکس نیست»

من از این طرز فکر طرفداری نمیکنیم. بنظر من اگر طبق آمار فوق نسبت به صدور

احکام محکومیت دقت بیشتری بعمل آید از تعداد زندانیان بطور قابل ملاحظه ای کم شده

و تعدادی که در هر سال مسلماً بیش از چند صد نفر نیست. باقی میماند که برای آنها زندان

هم لازم و هم مفید بنظر میرسد.

زندان «Barestal» نمونه زندانی است که برای مجرمین جوان بسیار خوب بنظر

میرسد در آنجا تعلیق بیش از امور دیگر مجری است و البته مجرمینی که از آن استفاده

میکنند با اعاده حیثیت کامل روبرو میشوند.

نواقص زندانها

در این روزها که تقریباً پیدا کردن کار بسیار مشکل شده است جوانانی هستند که با اشتیاق کامل در خیابانها بدون داشتن مقصود معینی پائین و بالا رفته و مزاحمت دختران و خانمهای جوان را فراهم میکنند این قبیل اشخاص را بایستی بانضباط شدید محکوم کرد و تعلیق مجازات آنها هرگز پسندیده بنظر نمیرسد و خوشبختانه در زندان فوق الذکر و نسبت باین گونه متهمینی سخت گیری لازم بعمل میآید.

با وجود متد غلطی که در زندانهای موجود حکمفرمایی میکند، مجرمین جوانی را میشناسم که دیدن این زندانها برایشان درس عبرتی شده است و رعب زندان اثر منفی در فکر آنها گذاشته ولی اشکال در اینجاست که موقعیکه این افراد از زندان خارج میشوند با اینکه کاملاً تنبیه شده اند مع الوصف همان محکومیت سابق سبب میشود که در هیچ کجا بآنها کاری رجوع نشود. وظیفه انجمنهای تعاونی اجتماعی و کارفرمایان دوراندیش است که حسن نیت بخرج داده و این قبیل اشخاص را بکار بگمارند. البته این امر با تغییر متدی که در اداره زندانها پیشنهاد شد روز بروز افزوده میشود.

در صورتیکه تغییری در وضع زندانهای ما داده نشود صرف چند هفته در زندانهای موجود و یک نواختی زندگی که در آنجا حکمفرماست. علاوه بر اینکه تأثیری در اصلاح مجرم ندارد روحیه او را بکلی شکسته، قوه ابتکار را از او گرفته و با یک بدبینی زاید الوصفی بدون اینکه مجرم سابق که دوره محکومیت او سپری شده است کاری داشته باشد، دوست و یابوری برای خود بشناسد. ذخیره ای داشته باشد. بدنیای کینه جوی خارج از زندان تحویل داده میشود. گزارش یکی از رؤسای زندان در این مورد بسیار قابل توجه است:

«..... از مضرات آشکار زندانهای فعلی رکود فکر، از بین رفتن حس مسئولیت و قوه ابتکار، کشته شدن هوش و ذکاوت طبیعی در مجرم است. و اگر بخواهند از این مضرات جلوگیری بشود جز اینکه محیط زندان را با زندگی اجتماعی تطبیق داده و مقرراتی وضع شود که بمجرم در زندان آزادی بیشتری داده شود هیچ چاره ای نداریم. زندگی در زندان علاوه بر اینکه یک نواخت و کسالت آور است هیچگونه اثر مثبتی بر آن مترتب نیست.....»

اگر تعداد زیادی از مجرمین که فعلاً در زندانها بسر میبرند و متد زندان برای معالجه آنها غیر مفید تشخیص داده میشود از میان زندانیان جدا شده و بمؤسسات دیگری روانه شوند. بیشتر از مشکلات فعلی خود بخود حل میشود. ولی انجام این عمل بنوبه خود بایستی با سیاست و برنامه کاملی انجام گیرد که در زیر مختصراً بشرح آن میپردازیم

۱ - طبقه بندی مجرمین. قبل از همه چیز طبقه بندی کامل مجرمین ضروری و لازم بنظر میرسد. البته این طبقه بندی نه تنها با توجه بجرم ارتكابی آنها بلکه بر اساس خلق و سیرت فردی زندانیان تجربیات و احتیاجات مادیشان بایستی استوار باشد. ولی اگر زندانهای ما واقعاً بخواهد مرکز تعلیم و تربیت مجرمین براه راست باشد، هر چند که این تقسیم بندی مجموعاً بسیار عمل مفیدی است مع الوصف غیر مکفی و ناقص و در عین حال خیلی سطحی و ظاهری بنظر میرسد.

لواص زندانها

هنگامیکه دانشمندان قدیم از مجازات جنس مجرد دفاع میکردند دلائل اثبات مدعایشان زیاد هم ناقص و سطحی نبود. مجالس عمومی قرون گذشته که از هر نوع مجردی در آن یافت میشد اثرات اجتماعی بسیار زنده‌ای داشت که انزوا و گوشه‌نشینی مجرم تنها داروی شفابخش آن محسوب میشد. ولی از درك این حقیقت نباید نتیجه گرفت که برای جلوگیری از آلودگی مجرم بایستی دست بدامن حبس‌های مجرد شد و غیر از حبس مجرد چاره و علاجه برای آن متصور نیست. با اعتراف باینکه زندانیان دوستانی در زندان برای خود تهیه میکنند تا پس از خروج از زندان در واقع شریک جرم‌های آنها باشند. ولی ضمناً مضرات حبس مجرد نیز آثار بدی در روحیه مجرم میگذرد که نتایج آن بهتر از حبس در زندانهای عمومی نمیباشد. تنها علاجه‌ای که از مضرات هر دوی این روشها جلوگیری میکند همان طبقه‌بندی مجرمین است.

این طبقه‌بندی حتی المقدور بایستی با توجه بگزارش روانشناسان و روانکاوان انجام پذیرد چنانچه طبقه‌بندی بر پایه جرم ارتكابی از قبیل مجرمین سارق، مجرمین امور جنسی، مرتکبین بجعل استوار باشد این عمل کاملاً بیهوده است چه این امر میرساند که شخصی که مسئول طبقه‌بندی بوده باین مطلب توجه نداشته که نوع جرمی را که یک نفر انجام میدهد هیچ ربطی به خلیقات واقعی او ندارد و تنها صفات و روحیات مجرم است که میتواند مورد نظر واقع شود و در جدولهای مختلف قرار گیرد. یک سارق ماده که مدت محکومیت اولین جرم خود را در زندان میگذراند ممکن است خوی فاسد و بدسمنشی داشته باشد که اتفاقات آینده بتواند این استعداد مجرمیت او را فاش سازد. بعکس ممکن است کسی باشد که در نظر اول بسیار زنده جلوه گر شده و بیم آینده خطرناکی برای او برود ولی این شخص کی باشد که محیط زندان هرگز برای او مناسب نبوده و اعزام او بپموسات دیگر غیر جزائی که جنبه تربیتی داشته باشد همانطور که در فوق بیان شد برای او مفیدتر است تمام طبقه‌بندی‌ها بایستی بر اساس گزارشهای متخصصین روانشناس جزائی انجام پذیرد.

صنایع در زندان

غیر قابل تردید و انکار است که اگر صنایعی فعلاً در زندان وجود داشته باشد آن صنایع غالباً بدون توجه بمدت‌زمانی که باید برای ساختمان آن مصرف شود انتخاب شده و همچنین خالی از ارزش اقتصادی و غیر مؤثر است آسانترین وسیله حل این مشکل تعیین هیئتی است که جداً مأمور رسیدگی باین امر شده و ضمناً وظیفه طبقه‌بندی زندانیان یا شغلی را که آنها قادر بانجام آن هستند با کمال دقت و واقع‌بینی انجام دهد. بشر را بایستی برای زندگی اشتراکی در اجتماع آماده نمود. همین وظیفه سنگین را زندان نیز بنحو احسن بایستی انجام دهد. زندان بایستی حرفه‌ای را بزندان‌ی بیاموزد، و این سرمایه باو بدهد که پس از آنکه از زندان رها شد بتواند با قوه بازوی خود چیزی بیازار تقاضا عرضه کند، نه آنکه بواسطه استیصال مجبور بارتکاب جرم مجددی شود. زندانی بایستی با حرفه‌ای که در زندان آموخته قادر باشد که حداقل معیشت خود را با آن کسب کند.

لواحق زندانها

هیئت که در سال ۱۹۳۰ مأمور رسیدگی یکی از زندانها شد ضمن گزارش خود مراتب زیر را نیز بمسئولین امور زندان ابلاغ کرد :

«..... لزوم پیدا کردن یک کار مناسب برای زندانیان هر روز بیش از پیش ضروری بنظر میرسد و مسلماً مجرم نیز آنرا در کمال میل و اختیار انجام میدهد. یکی از بزرگترین صنایعی که در زندان انجام میپذیرد ساختن کیفهای نامه رسانی برای وزارت پست و تلگراف است و در شرائط حاضر وجود همین کار هم در زندان برای مقامات مسؤل زندان مایه دلخوشی است و چنانچه این حرفه هم وجود نداشت آنها نمیدانستند که چگونه بایستی وقت هزاران نفر از زندانیان را بگذرانند ولی برای بیشتر از محبوسین این کار زیاد قابل توجه بنظر نمیرسد. آنها طالب حرفه ای هستند که بتوانند در حین انجام آن مهارت و استادی از خود نشان دهند. انجام کاری را طالبند که در عین اینکه جنبه ماشینی آن کم نباشد ضمناً بتوانند هنگامیکه از زندان خارج شدند با آن امرار معاش کنند. زندانی میداند که بیشتر کارهایی را که او در ظرف یک روز با دست انجام میدهد یک ماشین در همه جا - بغیر از محیط زندان - در ظرف چند ثانیه بمراتب بنحو بهتری انجام میدهد و از همین نظر باین قبیل کارهاییکه در زندان انجام میدهد بانظر یأس و دلسردی مینگرد و بالطبع در بهتر انجام دادن آن و بهبود محصول شوق و رغبتی از خود نشان نمیدهد بایستی حتی المقدور برای پیدا کردن کارهایی که مصنوع آن بنفع دولت باشد با توجه باینکه مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی نگردد و بتوان آنرا توسط زندانیان انجام داد کوشش فراوان بعمل آید. ولی محدود بودن بودجه، کثرت زندانیانی که مدت حبس آنها بیش از چند هفته نیست، خلیقات و روحیات مختلف زندانیان هر یک بنوبه خود از عواملی است که انتخاب حرفه های مورد نظر را کمی دشوار میسازد. و در زمان حاضر که تمام دستگاههای دولتی کوشش میکنند که هزینه خود را بحد اقل میزان ممکنه تقلیل دهند افزایش بودجه زندانیان برای اینگونه مسائل ممکن است مورد موافقت مقامات عالیه واقع نشود.....»

این اشکالات تازمانی گریبان گیر زندانها است که نسبت به تبدیل احکام حبسهای قلیل المده اقدام جدی بعمل نیامده است. و تا هنگامیکه مقامات مسؤل نسبت بتأمین احتیاجات ضروری زندانها صرفه جوئی نشان داده و از تجهیز صنعتی این قبیل مؤسسات که ارزش وجودی آن برای یک اجتماع سالم بیش از هر امر دیگری محسوس میباشد. امساک میکنند امید باصلاح وضع مجرمین و جلوگیری از وقوع جرم نیز نمیتوان داشت.

اگر هزاران نفری که دیدن زندان برایشان مفید شناخته نمیشود بمؤسسات دیگری تحویل داده شوند، اداره کنندگان زندان با یک جمعیت چند صد نفری روبرو میگردند که خدمت متوسط مدت محکومیت آنها از ۳ تا ۶ ماه است و این دسته مجرمین را میتوان با برنامه های صنعتی و فنی یک زندان حرفه ای برای یک زندگی آبرومند پس از ختم مدت محکومیتشان آماده ساخت و از وجودشان استفاده کرد. البته لازم نیست که برنامه زندان متخصص کردن تمام این عله باشد. زندگی ماشینی امروز زیاد هم به نجاران زبردست و کفشان ماهری

نواقص زندانها

که با دست کار میکنند احتیاجی ندارد. در این زمان که هر چیزی با ماشین ساخته میشود با تصدیق اینکه مهارت در انجام کارهای یدی قابل تقدیر و تشویق است، مع الوصف اجتماع قیمتی برای آنها قائل نبوده و از هر چیز ارزش مادی میطلبد. و آشکار است در صورتیکه با شرائط سهلتر و نزدیک بصره ای بتوان با ماشین در ظرف پنج دقیقه کفشی جهت استفاده عموم آماده کرد. چنانچه کارگری آنرا حد متوسط در دو روز آماده کند زحمت او ارزش اقتصادی قابل ملاحظه ای ندارد، بعضی ها میگویند که پیشرفت صنایع در زندانها مشکلاتی برای اتحادیه های کارگری بوجود میآورد. ولی موافقین این عقیده باندازه ای در اقلیت میباشند که همان در اقلیت بودن آنها نشانه ای از بی اعتباری این عقیده است. محصولات زندان هرگز ایجاد بحران اقتصادی برای اتحادیه های کارگری و صنعتی نمیکند ولی برای اقدام اجتماعی بدنیست که قبلاً نیز همکاری و نظریات آن اتحادیه ها جلب شود. و بفرض هم که اتحادیه های کارگری یا اصناف با محصولات زندان نظر خوشی نداشته باشند، این بی التفاتی بآن اندازه که تصور رقابت مکارانه برای شکست آن صنایع بشود وجود ندارد بلکه حداکثر آن همان نظر بدبینی است که عموماً اتحادیه های صنعتی به صنایع آزاد دارند و تازه طریق پرداخت دستمزد زندانیان نیز بنوبه خود رافع اشکال است. پول نقدی که زندانی پس از انجام وظیفه خود میگیرد بسیار کم است. بیشتر مزدا و بترتیب برای نگاهداری مخارج او و هزینه شخصی اش در زندان. برای نگاهداری کسانی که در تکفل دارد و ذخیره برای روزهای آزادی او تخصیص داده میشود. و هیچ اتحادیه صنعتی دیده نشده که با دستگاهی که کارگزارانش را یک چنین اشخاصی تشکیل میدهند رقابتی داشته و از پیشرفت و ترقی این قبیل مؤسسات شکایت کنند.

ضمناً لزومی ندارد که محصولات یک زندان در بازار آزاد فروخته شود. مسلم است که احتیاجات و تقاضای وزارت پست و تلگراف و ادارات دولتی دیگر بنوبه خود در مقابل عرضه ای که توسط محصولات زندان میشود کافی بنظر میرسد. صنایعی که مورد لزوم و استفاده در ادارات دولتی بوده و امکان آن نیز در زندان هست بترتیب زیر است: ساختن پارچه و دوختن لباسهای متحدالشکل و کفش مستخدمین جزء اداره پست و سایر ادارات دولتی. ساختن زه طناب، ریسمانهائی که برای بستن و حمل بسته های پستی بکار میرود. چاپ اوراق لازم برای ادارات دولتی. صحافی دفاتر دولتی، ساختن دستگاههای تلفن و قسمتی از ظروف گلی، ساختن میز و صندلی ادارات، تهیه صندوق و باربندی آنها کارهای رختشویی، ساختن تختخواب برای بیمارستانها، کشت سبزی برای استفاده خوراک زندانها و سربازخانه ها. ضمناً یاد آور میشود که هر چند در ساختن و اداره زندانها برای تربیت مجرم دقت و سعی کافی بعمل آید بهمان نسبت خود بخود از لزوم سختگیری برای فرار مجرم و حداکثر محافظت مجرمین کم میشود.

- اداره زندان - بهمان درجه ای که انتخاب حرفه برای زندانیان در یک زندان ارزش دارد بهمان اندازه یک اداره منظم در بهبود وضع زندان و پیشرفت مقصودی که تعقیب میکند مؤثر بنظر میرسد. نگهبانان زندان که بنام « پلیس » شهرت دارند بایستی خودشان تحت نظر مستقیم رؤسای مسئول واقع شوند تا از انجام وظائف خود تخطی

لواحق زندانها

نکنند. هرچند که بعضی از این مراقبان برای زندانیان معلمین باتجربه‌ای محسوب میشوند ولی اکثر از آنها وظیفه خود را فقط محدود به دیده بانی زندانیان میدانند. چقدر دیدن این منظره موهن و قابل انتقاد است که در محوطه زندان در کارگاههای آن چند نفر با لباسهای متحدالشکل ایستاده و تنها وظیفه‌شان این باشد که از تکامل و غفلت زندانیان و از صحبت آنها با یکدیگر جلوگیری کنند. بایستی برای انتخاب مراقبین و نگهبانان زندان شرائطی بمراتب مشکندر از شرائط کنونی وجود داشته باشد تا هرکس نتواند این وظیفه خطیر را ظاهراً بدوش گرفته و باطناً قادر بانجام شکل حقیقی آن نباشد. بایستی هر ساله قسمهای مؤثری در بهبود وضع زندانبانان برداشته شود تا آنها علاوه بر اینکه مستمسکی برای عدم انجام وظائف خود نداشته باشند با جدیت و رغبت بیشتری نیز مشغول کار گردند میزان مزد یک پلیس نگهبان بایستی بمراتب بیشتر از مبلغی که فعلاً دریافت مینماید باشد. زندان بایستی خودش بر موجودیت خود حکومت کند.

متد جدید اداره زندان حکم میکنند که برای پیشرفت و موفقیت در امور داخلی و خود زندانیان بایستی بیش از هرکس مسؤل شناخته شوند.

از عوامل مسلم ارتکاب جرم یکی فقدان حس مسئولیت اجتماعی است که یا در مجرم بکلی پیدا نشده و یا بمحض ایجاد، بر اثر حوادثی آن حس در مغز او کشته شده است. زندانی کردن مجرم ماهها بلکه سالها بدون آن که اجازه داده شود که او هم خود را مسؤل امری دانسته و مسئولیتی برشانه خود احساس کند کار بسیار ناپسندیده است. بایستی با تلقین پی در پی حس مسئولیت مجرم را بیدار و او را برای یک زندگی اجتماعی خارج از زندان مجهز کرد. ولی متأسفانه مقامات مسؤل زندان از زیر بار انجام این عمل خطیر شانه خالی میکنند. هرگز ب فکر این نیستند که نقشه ای تهیه کرده و بان وسیله محیط داخل زندان را نیز بصورت یک واحد اجتماعی در آورند که در آن هرکس دارای مسئولیتی بوده و عدم انجام وظائفی که بر دوش اوست بنوبه خود جرم تشخیص داده شده و مستحق عقوبت باشد. و البته توضیح انجام این امور و تهیه نقشه های مفید در این زمینه را بایستی از زندانیان خواست که لااقل با اصول علوم جز آشنائی داشته باشند.

- پس از زندان - : چنانچه در قانون جزای اکثر کشورها مندرج است اگر مجرمی پس از گذشتن مدتی از تاریخ خاتمه محکومیت خود مرتکب جرم دیگری نشد در مورد او اعاده حیثیت میشود. یعنی، سابقه شرارت و ارتکاب جرمش از سجل قضائی او محو شده و این شخص میتواند در موارد مختلف، بتفاوت از بعضی یا از همه حقوق اجتماعی برخوردار بشود، پس اعاده حیثیت دارای آثار زیادی است و از اینرو بایستی پس از اینکه مجرمی از زندان بیرون رفت مراقبت کاملی از اعمال و رفتار او بعمل آید تا چنانچه شایسته اعاده حیثیت نیست اشتباهاً این ارفاق نسبت باو عمل نیاید. این مراقبت بایستی توسط سازمانهای مخصوص انجام یابد و البته بایستی فقط باعمال و رفتار چند هفته اولی که مجرم زندان را ترك میکند توجه داشت بلکه بایستی مدت مراقبت بمراتب طولانی تر از اینها باشد.

لواحق زندانها

در بعضی از زندانها پس از آنکه مجرمی دوره محکومیت خود را طی کرد ، برای اینکه در اجتماع خارج بتوان اعمال و رفتار او را تحت نظر داشت بجای شناسنامه حقیقی او برگ دیگری که سابقه کنونی مجرم در آن منعکس است باو داده میشود و مجرم برای انجام هر عملی که بالطبع محتاج ارائه شناسنامه خود میباشد بایستی آنرا نشان دهد و از اینرو همه کس میدانند که او سابقاً مرتکب جرمی شده است و تاچندی پیش در زندان بسر برده . ولی این روش بسیار قابل انتقاد میباشد و در مقابل این عمل ، بایستی مجرم تحت نظر مؤسساتی باشد که او نیز بشفقت و ملاحظت گردانندگان آن دستگاهها ایمان کامل داشته باشد . البته دقت و مراقبت در اطراف یک مجرم آنهم برای مدتی طولانی خرج زیادی را ببودجه دولت اضافه میکند ولی تحمل این هزینه چون برای بقای یک اجتماع ضروری بنظر میرسد از اینرو زیادهم قابل انتقاد نیست .

- محکومیت بدون مدت - : تعیین میزان حبس در حکم دادگاهها عمل بسیار یهوده ایست که از بقایای سیستم دوران قدیم بشمار میرود . چنانچه مجازات حبس را برای مجرم داروئی بدانیم ، بالطبع بایستی انجام آن تا مدتی که مجرم بهبودی کامل نیافته است ادامه یابد . اگر سیستم عمل جدیدی برای زندانهای خود انتخاب کنیم ، از رؤس مطالب آن بایستی توجه باین مطلب باشد که زندانهای ما مرکز واقعی تعلیم و تربیت بوده و از همین نظر مدت مجازات حبس بایستی در عین حال که از حد اکثر معینی تجاوز نکند ، زندان بان حق داشته باشد که با توجه باثری که در روحیه مجرم گذاشته است مدت محکومیت را کم و زیاد کند .

رهائی مجرم بایستی با رأی دادگاه عالیتری که حکم محکومیت را صادر کرده باشد . و ضمناً بایستی توجه داشت که مجرمی که قبل از خاتمه مدت محکومیت خود از زندان رها میشود اعمال و رفتارش تحت نظر بوده و در عین حال بتواند در خارج از زندان کار مناسبی برای امرار معاش خود تهیه کند . طرح این متد اکنون در زندانهای مشهور مورد آزمایش واقع شده و در گزارشی که یکی از رؤسای زندانها در این مورد مینویسد سطور زیر مندرج است :

« همچنانکه دادگاهها صلاحیت دارند که اعمال ارتكابی متهم را بایکی از مواد قانونی منطبق ساخته و از بین حد اقل و حداکثر مجازات مدتی را بعنوان عقوبت برای مجرم در نظر بگیرند و حکم بدهند ، زندانها نیز بانظر مقامات مسئول بایستی قدرت داشته باشند که چنانچه مشاهده کردند که دیدن دوره معینی از زندان در فکر مجرم اثر بسیار مفیدی را بجا گذاشته است ، با گرفتن تعهد حسن سلوك و التزام مراعات نظم عمومی مجرم را موقتاً آزاد بگذارند . برای مثال اگر ترتیبی داده شود مجرمی که رفتار او در نظر مسئولین زندان واقع شده است بتواند روزها آزاد بوده و کاری انجام دهد و شبها تامدتی در توقیف احتیاطی باقی بماند . متد مفیدی بنظر میرسد که باین وسیله ، قدرت حفظ اصول و مراعات نظم عمومی مجرم مورد آزمایش قرار گرفته و ضمناً تقویت میشود . - اقدامات احتیاطی درباره مجرمین بالعاده . - معتقدم که (بحایس) ما در متد جدید (مراکز تربیت) نام میگیرند ، خواهند توانست که زنجیر محکمی بیای مجرمین زده و محافظت کاملی از اجتماع در مقابل

توافق زندانها

مجرمین بنماید ولی هر قدر هم که سعی و کوشش شود، کسانی هستند که بتوانند آن زنجیر هارا پاره کرده و بدون آنکه بشود آنها را از راهی که میروند بازداشت و فکر آنها را اصلاح کرد جامعه را در معرض خطر تجاوز خود قرار میدهند.

بدون شک، هر قدر که یک روش کامل باشد مسلماً کسانی هستند که جزء استثنائات بوده و فرضاً در نتیجه بیماریهایی که پدران آنها مبتلا بوده و بارث بانها رسیده است بخواهند که همیشه زندگی پستی داشته و در گناه غوطه بخورند. این عده یا از نظر فقدان قوای کف نفس که در آنها کشته شده است و یا از نظر کینه‌ای که نسبت با اجتماع دارند و یا اصولاً ضدیتی که بین خود و محیط تصور میکنند مرتکب جرم شده و بهر صورت برای یک اجتماع از خطرناکترین میکربها هستند.

هنگامیکه تمام اصول منحط گذشته از بین رفت، دیگر مدواای این قبیل مجرمین با حبس کردن آنها برای مدت معینی درست مانند آنست که پزشکی بخواهد بیمار مرده‌ای را با دارو زنده کند. برای حفاظت دیگران از شر این قبیل مجرمین بالعاده بایستی اقرار کرد که هیچ علاجی بجز تفرقه آنها وجود ندارد.

ولی لازمست که مطمئن شویم که یک چنین مجرمی آیا واقعاً ضدیت با اصول اجتماعی دارد یا اینکه بعکس تقصیر زیادی نداشته و مافرصت اصلاح و بازگشت از راهی را که رفته است از او گرفته ایم و او میتواند با دیدن یک دوره کارآموزی در «مراکز تربیت» خود را بشهرت و اعتبار اول رسانده و اعاده امتیازات مأخوذه خود را بکند؟

اگر مجرمی برای مدت معینی تحت درمان واقع شد و یک دوره از این قبیل زندانهای تربیتی را دیده و با وجود اینکه زندگی شرافتمندی داشته باشد مع الوصف در ارتکاب جرم شدت عمل بخرج داده و باز هم نسبت بوظائف اجتماعی خود قصور ورزید، بایستی، جرائم ارتکابی او از درجات جنایت باشد. حتماً بنقاط بدآب و هوا تبعید شده و بحبس ابد محکوم شود. ولی اعتقاد دارم که بیشتر این قبیل مجرمین به ندای اصلاح طلبانه و تربیتی که در زندانها حکومت خواهد کرد جواب موافق داده و افرادی باشند که در صورت پیداشدن محیط مناسب برای زندگی شرافتمند در ارتکاب جرم هرگز پافشاری نکنند.

برای آن دسته معدود مجرمین که اصلاح پذیر نیستند بایستی تشکیلات طوری باشد که فرصت و اجازه ارتکاب جرم بانها داده نشود، ضمناً این زندانیان که در زندانهای شهرهای بدآب و هوا محبوس میشوند، احتیاجی به حداکثر مراقبت، لباس متحدالشکل و متد خیلی سخت و خشن ندارند.

بجای تمام جدیتی که صرف نگاهداری این قبیل مجرمین میشود بایستی بیشتر در اصلاح زندانها کوشید و نظر توافق نسبت به تعلیق مجازات داشت. تهیه آسایش مجرمین، دیدن یک دوره تربیتی و کارآموزی، تقویت دماغی آنها، جستجوی راههای عملی دیگر همه اینها مواردیست که با آن وسائل اساسی میتوان ریشه جرم را از نهاد یک اجتماع برکند.